

تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

عهد و گفتگو



تفسیر تورات

پاراشای هفته: کی تیتسه ۵۷۷۹

بهروزی جانوران

ربای لرد جاناتان ساکس

Ki Teitse 5779

Animal Welfare

کی تیتسه دربارهٔ روابط است: میان مردان و زنان، والدین و فرزندان، کارکنان و کارفرمایان، وام دهندگان و وام گیرندگان، اما این پاراشا با کمال حیرت، همچنین به روابط میان انسان ها و جانوران نیز می پردازد.

دکارت فکر می کرد که جانوران روح ندارند. بنابر این هر کاری که بخواهی می توانی با آنها انجام دهی.¹

¹ See Tom Regan and Peter Singer, eds., *Animal Rights and Human Obligations* (Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall, 1989), 13–19.

یهودیت باور ندارد که جانوران فاقد روح هستند - کتاب امثال سلیمان می گوید که "فرد صدیق برای nefesh [جان] حیوان خود دلسوز است" (۱۲:۱۰). بی تردید در اینجا واژه نفش یعنی حیات و نه روح (شاما در عبری). اما تنخ جانوران را موجوداتی دارای حس می داند. آنها ممکن است فکر نکنند و سخن نگویند، اما حس دارند. می توانند ناراحت شوند. پس چیزی به نام اذیت شدن جانوران وجود دارد tza'ar baalei chayim و تا حد ممکن باید از آن پرهیز کرد.

به این ترتیب ما در پاراشای کی تیتسه می خوانیم: "وقتی گاو در حال شخم زدن است به او پوزبند نزن." (تثنیه ۴:۲۵). نکته جالب در مورد این قانون آن است که نظیر آن ملاحظات را در مورد انسان ها نیز بیان می کند: "وقتی به تاکستان همسایه ات می روی [برای کار] هر قدر انگور که برای سیر شدنت لازم است می توانی بخوری... وقتی [برای کار] به حاشیه گندمزار همسایه ات می رسی، می توانی گوشه ها را با دست بچینی." (تثنیه ۲۶-۲۵:۲۳). اصول در هر دو مورد یکی است: بیرحمی است اگر کسانی را که با خوراکی کار می کنند از خوردن بخشی از آن بازبنداری. این شباهت، آموزنده است. جانوران و نه فقط انسان ها حس هایی دارند که باید احترام گذاشت.

قانون دیگر این است: "با یک گاو و یک خر شخم نزن" (تثنیه ۱۰:۲۲). گاو از خر قویتر است، از این رو انتظار داشتن از خر که کاری مشابه گاو انجام دهد، بیرحمانه است. هر نوع جانوری نقش یگانه خود را در عالم خلقت دارد که ما باید به آن احترام بگذاریم.

خیره کننده ترین قانونگزاری در مورد حیوانات در این پاراشا در مورد "آزاد کردن پرنده مادر" است:

اگر به آشیانه پرنده ای در کنار جاده، بر سر درخت یا روی زمین، برخوردی و پرنده مادر روی جوجه یا تخم نشسته بود، مادر را با جوجه هایش نگیر. می توانی جوجه ها را برداری، اما حتما پرنده مادر را آزاد کن تا برای تو خیر باشد و عمر طولانی بکنی. (تثنیه ۶-۷:۲۲).

درباره این دستور بسیار نوشته شده است. در اینجا فقط تحلیل مشه بن مایمون را ذکر می-کنم که عمق آن حیرت آور است. قانونی هست که دو بار در میدراش آمده و می گوید که وقتی پیشمازی بگوید: "مرحمت هایت حتی شامل آشیانه پرندگان نیز هست"، نمازگزاران باید ساکت شوند.²

تلمود دو شرح برای این دستور دارد که بر اساس یکی از آنها چنین دعایی وانمود می کند که صفات خدا بیان شفقت هستند، در حالی که در واقع فقط احکام هستند.

مشه بن مایمون در تفسیر خود بر میهنه توره و در تفسیر قوانین³ این نظر را در پیش می-گیرد. او می افزاید: "اگر دلیل رهاکردن پرنده مادر، شفقت الهی نسبت به جانوران بود، همان گونه هم خداوند می بایست ذبح جانوران جهت غذا را نیز ممنوع می کرد. پس این قانون را باید همچون یک حکم (*gezerat hakatuv*) دانست و هیچ ربطی با شفقت انسانی یا الهی ندارد."

ولی مشه بن مایمون در راهنمای سرگشتگان [دلالت الحائرین] دیدگاه متضادی در پیش می-گیرد. آنجا این ایده را که دستورهایی هستند بی هیچ دلیلی پشت آنها رد می کند. او می-گوید که دلیلی برای ذبح جانوران وجود دارد، زیرا خوردن گوشت برای سلامتی انسان ضروری است. ولی دستور به انجام ذبح شرعی، *Shechitah*، داده شده، زیرا بی دردترین راه ذبح یک جانور است. او ادامه می دهد:

² Mishna Brachot 5:3; Mishna Megilla 4:9. 3. Maimonides, *Mishneh Torah*, Hilchot Tefilla 9:7.

³ Maimonides, *Mishneh Torah*, Hilchot Tefilla 9:7.

همچنین، ذبح جانور همراه با کره او در یک روز ممنوع است [لاویان ۲۲:۲۸]. این دستور برای پیشگیری از ذبح جانور جوان در مقابل چشمان مادر اوست. زیرا در چنین مواردی جانوران به شدت آزار می بینند. در این مورد، فرقی میان واکنش جانوران و انسان وجود ندارد. زیرا عشق و عطف مادرنسبت به فرزند، در اثر عقل نیست، بلکه به قوه تصور بستگی دارد که در بیشتر جانوران مانند انسان وجود دارد. این دستور به ویژه روی گاو و گوسفند تأکید دارد که جانوران اهلی هستند و خوردن گوشت آن ها برای ما حلال است. در مورد این دو نوع، تشخیص مادر از فرزند ممکن است. همین امر در مورد دستور صبر کردن تا پرنده ماده از لانه برود [در تثنیه ۶:۲۲-۷] صادق است، زیرا خوردن تخم هایی که پرنده مادر روی آن ها نشسته یا جوجه هایی که به مادر خود نیاز دارند، شایسته نیست. اگر پرنده مادر از لانه برود و به میل خود فرار کند، از دیدن برده شدن جوجه های خود رنج نخواهد کشید. این قانون در بیشتر موارد باعث پشیمان شدن آدم ها می شود، زیرا آن چه به دست می آورند، مناسب خوردن نیست. اگر قانون تورا به این رنج های روح جانوران و پرندگان اهمیت می - دهد، پس برای افراد نوع انسان تا چه حد رحیم است؟⁴

پس در اینجا [در راهنمای سرگشتگان] مشه بن مایمون برخلاف دیدگاهی که در تفسیر قانون خود بیان می کند، می گوید که منطق این قانون، شفقت است. افزون بر این، بیشتر در پی جلوگیری از درد روحی جانور است و نه درد جسمانی او. دیدگاه مشه بن مایمون درباره جانوران از سوی یافته های جدید پژوهش های زیست شناسی تایید شده که برآند بسیاری از

⁴ Maimonides, *Guide for the Perplexed*, III:48.

انواع از نظر تشکیل گروه، داشتن حس همبستگی متقابل و نشان دادن دسته ای از عواطف به انسان شباهت دارند.⁵

در بیشتر انواع جانوری این مادر است که پیوندی مداوم با فرزندانش دارد. در میان جانوران، حسِ پدربودن بسیار ضعیف تر است. پس آنچه موسی بن مایمون در *راهنمای سرگشتگان* تشریح کرده، با آزمایش های تجربی همخوانی دارد.

اما موسی بن مایمون در جای دیگری در *راهنمای سرگشتگان*،⁶ یک دیدگاه سوم بیان می کند. او می گوید که عنایت الهی تنها به افراد نوع انسان می رسد. عنایت الهی به جانوران تنها به کل نوع آنها می رسد. پس دلیل آنکه نباید به جانوران درد یا آزار رساند این است که تورات نه به فکر جانوران، بلکه دلنگران انسان ها است. ما نباید بیرحم باشیم:

حکیمان وقتی می گویند: خودداری از عذاب دادن حیوانات در *توراه آمده است* [۱۲] به این کلام [فرشته در داستان بیلعام] اشاره می کنند: "چرا الاغ خود را زده ای؟" [در اعداد ۲۲:۳۲] که برای اصلاح اخلاق ما آمده تا عادت های غیراخلاقی و خشونت آمیز پیدا نکنیم و بی دلیل، دردی را به حیوان تحمیل نکنیم. بلکه باید با حیوان مهربان و رحیم باشیم. مگر به ضرورت تغذیه: "زیرا جان تو گوشت می طلبد" تثیبه ۱:۲۰، هرگز نباید به دلیل شقاوت یا تفریح، حیوانات را کشت.

مشه بن مایمون در این مورد سه دیدگاه دارد که به شدت با یکدیگر تفاوت دارند:

⁵ See on this the many works of primatologist Frans de Waal, including *Good Natured* (Cambridge, MA: Harvard University Press, 1997); *Chimpanzee Politics* (Baltimore, MD: John Hopkins University Press, 2007); *The Age of Empathy* (London: Souvenir, 2011); *The Bonobo and the Atheist* (New York: W. W. Norton and Co., 2014); and *Are We Smart Enough to Know How Smart Animals Are?* (New York: W. W. Norton and Co., 2017).

⁶ *Guide for the Perplexed*, III:17.

۱- قانون پرندهء مادر حکمی الهی است بی هیچ دلیلی.

۲- هدف این قانون جلوگیری از درد روحی پرندهء مادر است.

۳- این قانون قصد دارد که نه بر جانوران، بلکه بر روی ما از طریق آموزشِ بیرحم بودن تاثیر بگذارد.

در واقع، همهء این سه حقیقت دارند، زیرا به پرسش های دشواری پاسخ می دهند.

دیدگاه نخست شرح می دهد که چرا ما این قوانین را داریم. تورات برخی اعمال را که بیرحمی نسبت به جانوران هستند ممنوع می کند و نه هر کاری را. چرا این کارها در دستهء مجاز نیستند؟ زیرا این قانون است. قوانین همیشه به نظر دلخواه می آیند. اما ما قانون را رعایت می کنیم زیرا قانون است، حتی اگر در برخی شرایط استدلال کنیم که خودمان بهتر می دانیم و این مورد مشمول قانون نیست. دیدگاه دوم، منطق مستقیم قانون را شرح می دهد. این قانون هست تا از بیرحمی و دادن رنج های غیرلازم به جانوران جلوگیری کند، زیرا آنها نیز درد و گاهی عواطفِ دردناک را تجربه می کنند. دیدگاه سوم، قانون را در چشم انداز گسترده تری می بیند. بیرحمی نسبت به جانوران ناروا است، نه از آن رو که جانوران، حقوقی دارند، بلکه از این رو که ما وظایفی داریم. هدفِ وظیفهء بیرحم نبودن، رواجِ فضیلت است و درونمایهء اساسی فضیلت نیز رابطه میان انسان ها است. اما فضیلت ها غیرقابل تفکیک هستند. آنهایی که نسبت به جانوران بیرحم هستند، اغلب نسبت به انسان ها نیز بیرحم می شوند. از این رو ما وظیفه داریم که درد غیرلازم به جانوران ندهیم، زیرا تاثیر بدی روی ما دارد. این بود دیدگاه سوم. خیلی جالب است که تحلیل مشه بن مایمون تقریباً و دقیقاً شش قرن بعد توسط بزرگترین فیلسوف دوران مدرن ایمانوئل کانت تکرار شد.⁷

⁷ Immanuel Kant, *Lectures on Ethics* (London: Methuen, 1930).

این یک رویکرد هوشمندانه و چند وجهی است. جانوران بخشی از خلقت خداوند هستند. آنها جایگاه خود را در نقش هستی دارند. اینک می دانیم که آنها به انسان ها بسیار نزدیکتر از آن چیزی هستند که فیلسوفانی چون دکارت تصور می کردند. این واقعیت برای قهرمانان تورات تازگی نداشت. ابراهیم، موسی و داوود همگی چوپان هایی بودند که سال های شکل گیری شخصیت خود را به نگهداری و مراقبت از جانوران سپری کرده بودند. این نخستین درس رهبری آنها بود و می دانستند که این یکی از راه های فهم خداوند به شمار می رفت ("خداوند شبان من است" [مزامیر ۱:۲۳]). یهودیت همچنین به ما آنچه را گاهی فراموش می کنیم، یادآور می شود: که زندگی اخلاقی پیچیده تر از آن است که بتوان در یک مفهوم تک مانند "حقوق" خلاصه کرد. در کنار حقوق، وظایف نیز هست و وظایف می توانند بدون ارتباط با هیچ حقوقی مطرح باشند. جانوران چیزی به نام حقوق ندارند، اما ما نسبت به آنها وظیفه داریم. همان گونه که چندین قانون در پاراشای کی تیتسه و جاهای دیگر روشن می کنند، نباید به آنها درد و عواطف رنج آلود تحمیل کنیم.

چنان چه هفته پیش در مورد قوانین محیط زیست در شوفطیم خواندیم، باب اول پیدایش به ما مسئولیت "حکم راندن" و "فرمانروایی" بر آفرینش از جمله بر جانوران را می دهد. اما باب دوم پیدایش، دستور خدمت به "آفرینش" و "نگهداری" از آن را می دهد. جانوران ممکن است حقوق نداشته باشند، اما حس هایی دارند و اگر ما این افتخار را داریم که نقش همکار خداوند در آفرینش را بازی کنیم، پس باید به آنها احترام بگذاریم.

شبات شالوم

Jonathan Sacks

The Office of Rabbi Sacks

برای دیگر آثار ربای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است ● دفتر ربای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط
شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian